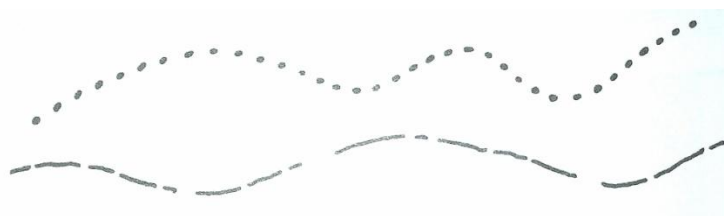


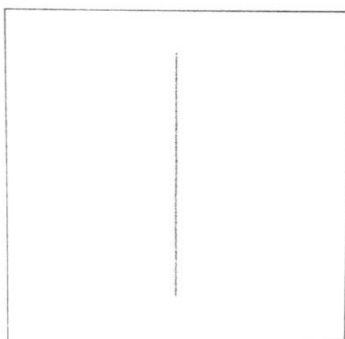
خط

اگر نقطه‌ها به یکدیگر آنقدر نزدیک شوند که دیگر نتوان آنها را از یکدیگر تشخیص داد، احساس دارا بودن امتداد در آنها تقویت می‌گردد و زنجیره‌ی نقاط تبدیل به عنصر بصری جدیدی به نام خط می‌شود. خط را میتوان به صورت دیگری نیز تعریف کرد و گفت، خط نقطه‌ی در حال حرکت یا تاریخ حرکت نقطه است، زیرا برای ترسیم خط ابتدا نوک قلم را روی صفحه می‌گذاریم که به صورت نقطه است و سپس آنرا به حرکت درمی‌آوریم و اثر این حرکت به صورت ثبت شده‌ی خط باقی میماند. تصویر ۱

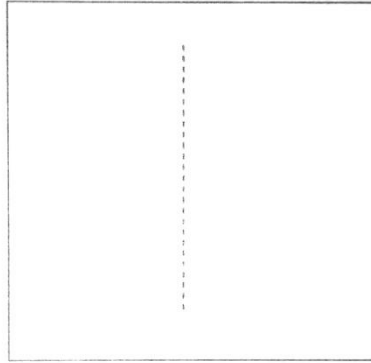


تصویر ۱

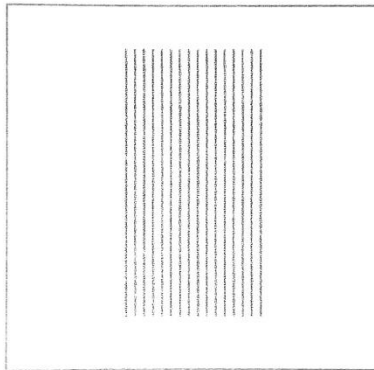
در هنرهای بصری خط به خاطر ماهیت خاصش دارای توان و انرژی بسیار است. خط هرگز ساکن و ایستا نیست بلکه همیشه پرتحرک است و عنصر بصری مهمی در طرحهای اولیه و خطی میباشد. و برای تصویر کردن آنچه هنوز پدیدار نیست و فقط در تصور انسان وجود دارد، وسیله‌ای حیاتی است. در تصاویر زیر نمونه‌هایی از کاربرد خطوط و کیفیتهایی که میتوان با خطوط مختلف ایجاد کرد میبینیم:



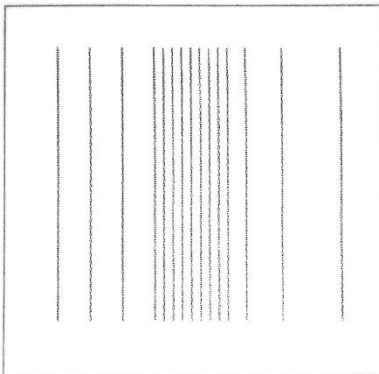
خط نازک، مرکز و حجم ندارد فقط کشیدگی طولی دارد و بر فضای پیرامون خود تأثیر می‌گذارد.



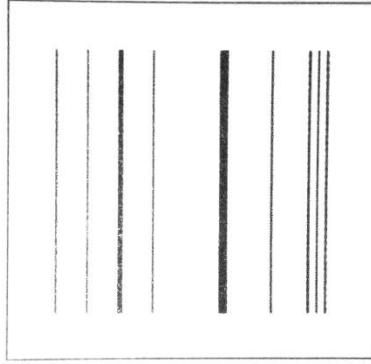
منقطع شدن خط، کنش بافتی خط را بدون آشفته کردن حرکت و جهتش، افزایش میدهد.



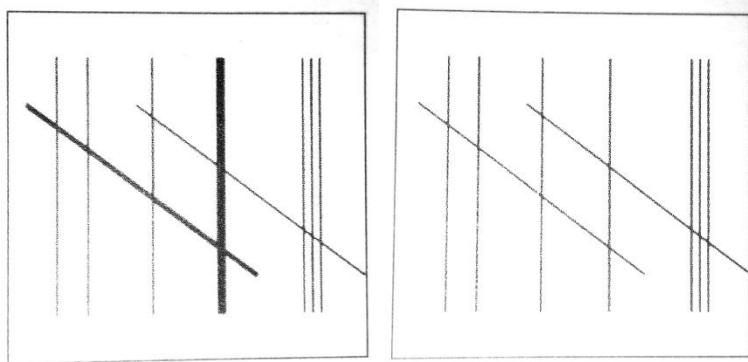
چند خط جمع شده مانند تجمع نقطه ها، بافت ایجاد میکند.



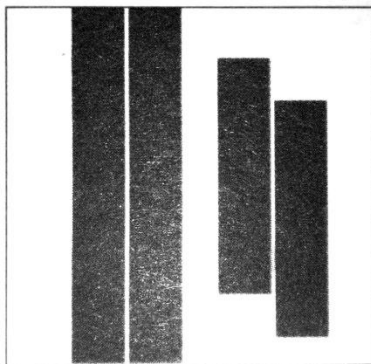
جدا شدن خطوط، تجمع بیننده را به ویژگیها و هویت‌های خاص خطوط، تناوب بینشان، تنوع و گوناگونی آنها جلب میکند.



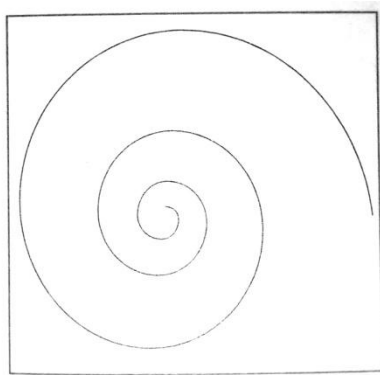
تغییر ضخامت و فاصله ی تعدادی از خطوط از بقیه، توهم ژرفا و عمق فضایی ایجاد میکند. خطوط نزدیکتر به هم، تنش میسازند و آنهایی که دور میشوند در فضا پیش میروند.



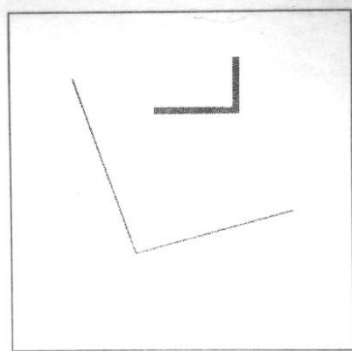
اگر هر کدام از خطوط روی خطوط مشابه خود چرخانده شود، توهم عمق ایجاد میکنند. و با ضخیم تر شدن خطوط افزایش می یابد.



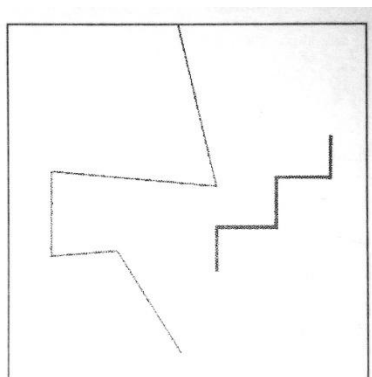
بین دو خط ضخیم نزدیک به هم خط سوم (منفی) ایجاد میشود. تأثیر بصری این خط سفید منفی حتی اگر انتهای آن دو خط تغییر کند و جابجا شود، به صورت خط مثبت (سفید) روی یک سطح منفی (سیاه) است.



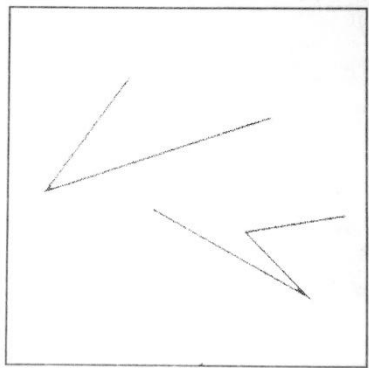
یک خط مارپیچ (حلزونی)، همزمان حرکتی رو به داخل و رو به بیرون را که در ذات یک نقطه است بازآفرینی میکند.



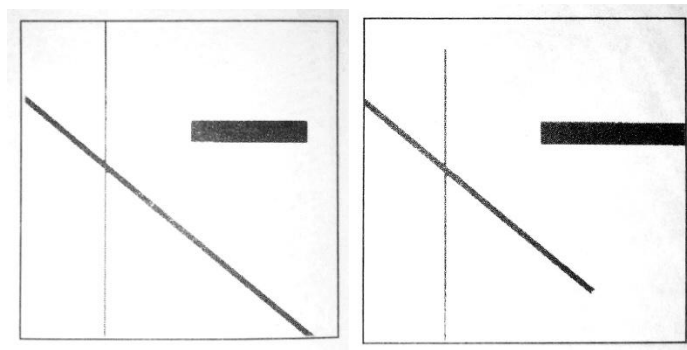
دو خط متصل به هم زاویه میسازند. اتصال بین آن دو نقطه ی شروع برای حرکت در دو جهت متفاوت میشود.



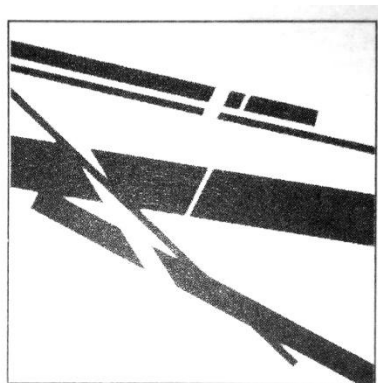
اتصالات متوالی بین خطوط، حس تغییر جهت را در یک حرکت کلی ایجاد میکند.



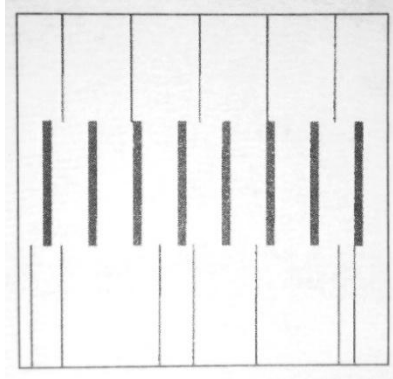
یک زاویه ی تند، حرکتی سریع از جهتی تا جهت دیگر است.



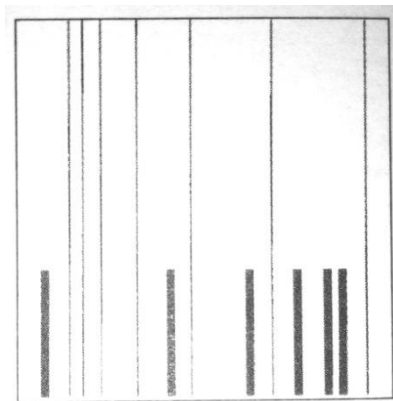
کادر بر حس حرکت خطوطی که به کادر وارد و از آن خارج میشوند در طول جهتشان می افزاید، اگر نقاط شروع و پایان خطوط در داخل کادر باشد، جهت حرکتشان از پیوسته به ناپیوسته تغییر میکند در نتیجه تنش بین فضای محیط و فرمها یا بین فرمها به شدت افزایش می یابد تا آنجا که چشم بر قطعه ای که شروع شده یا خاتمه یافته است تمرکز یابد.



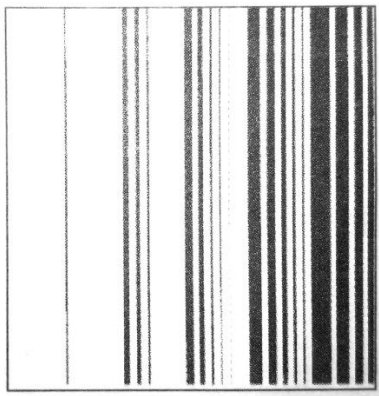
خطوط سفیدی (منفی) که در جلو خطوط سیاه (مثبت) قرار گرفته اند رابطه ی فضایی پیچیده تری بوجود می آورند.



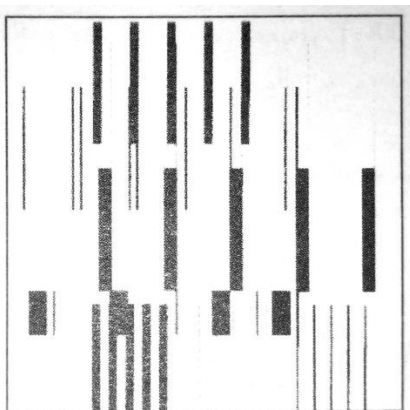
خطوط با هم ریتم میسازند، فضای منظم تکرار شده با یک مجموعه خط ضرباهنگی یکنواخت و نسبتاً ساکن ایجاد میکنند.



تفاوت در فاصله ی خطوط ضرباهنگی هماهنگ و پویا میسازد، نوع تناوب فضایی بین خطوط بر ادراک ریتم در بیننده تأثیر میگذارد و معانی مانند تضاد، توالی، تکرار و نظم را القا میکند.



چنین تغییرات ریتمیکی در فاصله و ضخامت خطوط حرکت را هدفمند تر و پیچیده تر میکند.



باز هم تنوع بیشتر در ضخامت خطوط باعث ریتم و حرکت‌هایی پیچیده تر میشود.

خط، جوهره‌ی طراحی

با ترسیم اولین خط در صفحه اولین ارتباط تجسمی میان خط و صفحه پدید می‌آید و نوعی فضای تجسمی شکل می‌گیرد. خطوط دیگر به تقسیم فضا می‌پردازد و شبکه‌ای از روابط تازه‌ی تجسمی را ایجاد میکند. هر جا با تجسم سر و کار باشد، خط حضوری قاطع و بارز دارد. خطوط فقط عناصر ترسیم‌کننده‌ی اشیاء ملموس نیستند بلکه احساسات درونی ما را نیز نشان می‌دهند. خطوط در طراحی میتواند بیانگر حالات مختلفی، چون آرامش، هیجان و خشم باشند و در مسیر حرکت خود دچار تغییرات متعددی چون کندی، تندی، تیرگی، سبکی، باریکی یا پهنی شوند و بارها از حالتی به حالت دیگر تغییر شکل دهند. تصویر ۲



تصویر ۲- هانری ماتیس (henri matisse)، هنرمند فرانسوی (۱۸۶۹-۱۹۵۴)
موی سر ۱۹۳۱ تصویرسازی با تکنیک چاپ اچینگ برای اشعار مالارمه (malarme)

به طور کلی خطوط به سه گروه تقسیم میشوند: خط راست، خط منحنی و خط حلزونی (مارپیچ)
خط راست در طول مسیر خود تغییر جهت نمیدهد و کوتاهترین فاصله بین دو نقطه است و مطلوبترین خط
برای بیان خلوص، پاکی و دقت است. خط راست به خطهای عمودی، افقی و مورب تقسیم میشود.

الف- خط افقی؛ خطی است ثابت و ساکن که از لحاظ بصری آرامش ایجاد میکند و معادل رنگی آن رنگ آبی
است که رنگی سرد است. ثبات آسودگی، غم و اندوه و مرگ، احساسات دیگری اند که خط افقی برمی انگیزند.
تصویر ۳ و ۴



تصویر ۴- تامس ایکینز، (Thomas Eakins)
۱۸۴۴-۱۹۱۶ هنرمند آمریکایی،

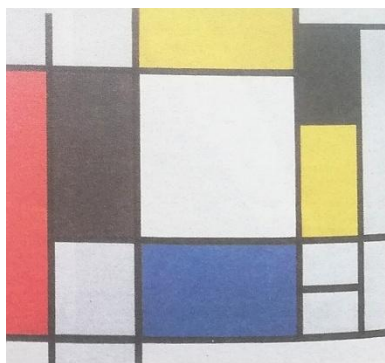


تصویر ۳- کیت جینکبزهیگن
(keith jacobshagen) متولد ۱۹۴۲

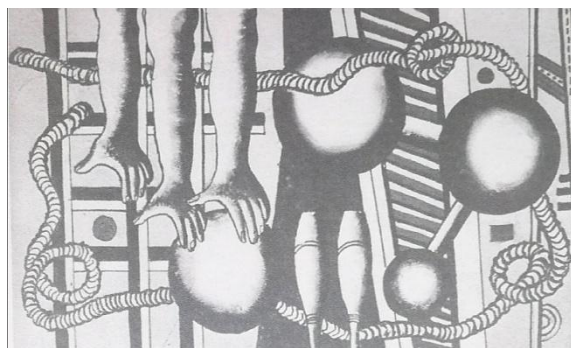
هنرمند آمریکایی، در پهنه ی دره ی رودخانه مسابقه برادران بیگن، ۱۸۷۳، رنگ روغن روی بوم،
رنگ روغن روی بوم، دانشگاه لینکلن، بنداسکا گالری ملی هنر واشنگتن

ب- خط عمودی؛ ارتفاع دارد، و گرمای رنگهای نارنجی و قرمز، با حالت‌های پرنرژی و ایستادگی آن مطابقت دارد.

به کمک این دو خط افقی و عمودی و اتصالاتشان، ایجاد ساختار و ساختمانی مستحکم و محاسبه شده ممکن میشود. تأکید بر رابطه ی خطوط افقی و عمودی و ایجاد ساختاری مستحکم در یک اثر هنری نه فقط در آثار هنرمندان پیشین بلکه در آثار سزان، کوبیست‌هایی چون لژه، موندریان مشهودتر است. تصویر ۵ و ۶



تصویر ۶- پیت موندریان (piet Mondrian)
۱۸۷۲-۱۹۴۴ هنرمند هلندی، ترکیب بندی
با رنگهای قرمز، سیاه، آبی، زرد و خاکستری



تصویر ۵- فرنان لژه (fernand leger) ۱۸۸۱-۱۹۵۵
هنرمند فرانسوی، پروژه ی تزئین یک سالن ژیمناستیک،
۱۹۳۵، گواش، مجموعه خصوصی

ج- خط مورب؛ حد فاصل خطوط عمودی و افقی است و تمایل و تشابهش به یکی از خطوط افقی و عمودی بر بار معنایی آن اثر میگذارد و رنگی از خط همجواریش، افقی یا عمودی به خود میگیرد. هم جواریش با خط افقی بر سکون و گرایش به خط عمودی بر تحرک آن می افزاید. خط مورب در کل خطی پر تحرک و جهت دار است. حالتی ناآرام و بی ثبات میسازد و با دو خط افقی و عمودی کاملاً متضاد است. تصویر ۷ و ۸

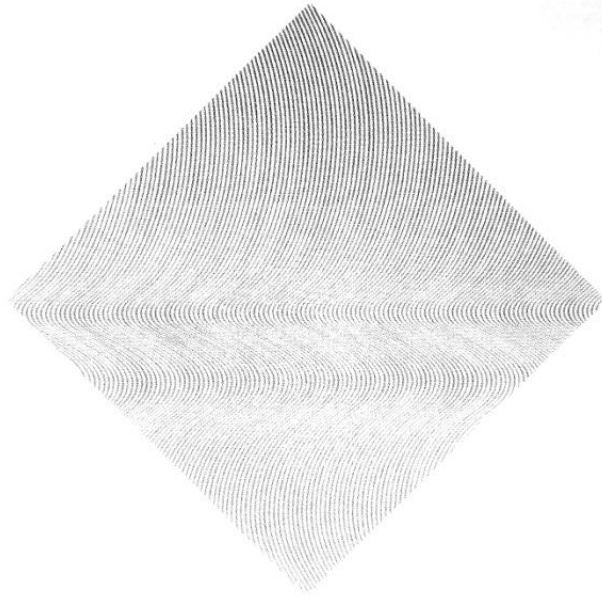


تصویر ۹- ژرژ براک (georges Braque)

۱۸۸۲-۱۹۶۳ هنرمند فرانسوی،

رنگ و روغن روی بوم

۵- **خط منحنی**؛ نقطه‌ی متحرکی است که دور نقطه‌ی ثابتی می‌گردد، چیزی شبیه قوس یک دایره. از لحاظ روانی نشان دهنده‌ی نرمش و لطافت است و آرامش و شادابی تولید می‌کند. کاملترین شکل خط منحنی، دایره یا منحنی مسدود است. تصویر ۱۰



تصویر ۱۰- بریجت رایلی (bridget riley)
متولد ۱۹۳۱ هنرمند انگلیسی، ردیف خطی ۱۹۶۴

و- خطوط مارپیچ (حلزونی)؛ در شاخه ی همان خطوط منحنی قرار میگیرد با این تفاوت که خط مارپیچ نقطه ی متحرکی است که پیرامون نقطه ی ثابتی گردیده است. در این گردش اگر نقطه ی متحرک به سوی داخل دایره ی حلزونی بگردد، دایره ی کوچکتر و اگر به سوی بیرون بچرخد دایره بزرگتر میشود. تصویر ۱۱



تصویر ۱۱- رابرت اسمیت سون (Robert Smithson) ۱۹۳۸-۱۹۷۳
هنرمند آمریکایی، اسکله ی حلزونی، ۱۹۷۰ سنگ سیاه، بلور نمک،
خاک، آب سرخ، جلبک، عکس هوایی از دریاچه ی شور بزرگ یوتا
(هنر محیطی)

تمرین

۱- یک ریتم فضایی آزاد و تخیلی، از خطوط و موانع فرضی، مانند تصویر ۱۰ بسازید که در آن از کنش و واکنش خطوط کنار هم، یا در هم تنیده، استفاده شده باشد.